



مخبر در حال پیگیری تخلفات

محمد مخبر، کفیل ریاست جمهوری در بخشنامه‌ای به تاریخ ۱۲ خردادماه ممنوعیت تغییر ساختار سازمانی، جایه‌جایی نیروی انسانی و... تا زمان استقرار دولت چهاردهم را ابلاغ کرد. این خبر به تاریخ ۱۷ خردادماه منتشر شد و در این بخشنامه آمده بود: «به موجب این بخشنامه کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفاند تا زمان استقرار دولت چهاردهم از هرگونه تغییر در ساختارهای سازمانی، جایه‌جایی نیروی انسانی و نقل و انتقال اموال دولتی، اعمال آیین‌نامه جدید، تغییر در تعرفه‌ها و عوارض و هرگونه اقدامات خارج از ضوابط و مقررات خودداری نمایند.» اما طی روزهای اخیر عباس عبدی، تحلیلگر سیاسی و حمیده زرآبادی، سخنگوی ستاد مسعود پزشکیان و جندی دیگر از چهره‌های سیاسی درباره عزل و نصب‌های غیرقانونی در دولت هشدار داده و اطلاع‌رسانی کردند. زرآبادی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «به‌رغم صدور بخش‌نامه به تمامی دستگاه‌های اجرایی مبنی بر خودداری از هرگونه تغییر در ساختارهای سازمانی، جایه‌جایی نیروی انسانی و... تا استقرار دولت چهاردهم، گزارش‌های واصله از صدور احکام بی‌رویه، بدون ضابطه و خلاف بخش‌نامه مذکور در دستگاه‌های اجرایی و زیرمجموعه‌های آن خبر می‌دهد.» او پس از آن در همین بستر چنین اعلام کرد: «اخبار عزل و نصب‌های افراد در روزهای پایانی دولت سیزدهم نگران‌کننده است؛ براساس اخبار رسیده، رئیس هیئت مدیره صندوق ذخیره فرهنگیان که از نامزد رقیب رئیس جمهور منتخب حمایت می‌کند، ظاهراً با هدف ایجاد مشکل برای دولت دکتر پزشکیان در حال تسویه با اعضای هیئت مدیره و مدیران شرکت‌های تابعه آن صندوق است. رئیس جمهور و معتمدان او با دقت این اخبار و فعالیت‌ها را دنبال و این تصمیمات اشتباه و تفرقه‌آمیز را اصلاح خواهند کرد.» علاوه بر این، عبدی هم در کنار اخبار جسته و گریخته که از این موارد منتشر شد، به این موضوع اشاره و از این رویه پیش‌آمده انتقاد کرد، چنانچه او هم در همین زمینه نوشت: «جناب آقای مخبر؛ برخلاف بخشنامه‌های شما در مقام مسئول (ریاست جمهوری) مبنی بر منع انتصابات یا اقدامات مالی مهم متأسفانه اخبار بدی در این زمینه شنیده می‌شود. قطعاً همه منصوبین و قراردادهای خلاف این بخشنامه و در این مدت انتقال مشکوک به فساد است مگر این که خلافش ثابت شود و رسیدگی دوباره خواهد شد.» پس از افزایش انتقادات و اعتراضات در نهایت مخبر به آن واکنش نشان داده و اعلام کرد که منتظر دریافت اطلاعات مرتبط با این موضوع هستیم. چنانچه عبدی نیز به این پیگیری مخبر واکنش نشان داد و در این زمینه با قدرانی از این پیگیری نوشت: «جناب مخبر مثل موارد دیگر در این انتخابات بسیار مسئولانه برخورد کردند و خواهان ارسال ادعاها شدند که بلافاصله چندین نمونه فرستاده شد و نمونه‌های دیگر هم در ادامه فرستاده می‌شود. نفس همین اقدام ایشان بازآزادگی دارد.»

عکس: ایرنا

نظر

خواهی

پایان خالص‌سازان؟

بررسی سرنوشت پروژه کلان سیاسی که با تشکیل دولت سیزدهم تکمیل شده بود

نمی‌گنجیدند. البته تفاوت رخداد انتخابات اخیر با ۱۴۰۰ از آن جهت قابل توجه شد که مسعود پزشکیان به عنوان گزینه باقی‌مانده در انتخابات از جریان منتقد وضع موجود و نزدیک به اصلاح طلبی، چهره‌ای سیاسی با پرونده و کارنامه قابل قبول و پاک بوده است و در برابر وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه هم منتظر فرصتی برای برون‌رفت از این استمرار وضع موجود بود. در این میان و در کنار این چنین تحلیلی، مسئله ضرورت تغییر و درک خطر ادامه وضع موجود از سوی جریان حاکم که بسیاری از اصلاح‌طلبان آن را از جمله موارد راه‌گشا برای نقش‌آفرینی سیاسی جریان منتقد می‌دانستند نیز مطرح می‌شود. مثلاً اینکه در حکومت هم تصمیم‌گیران به دو دسته خواهان ادامه وضع موجود و استمراطلبی آن هم با نگاه بسته به مسائل داخلی و خارجی در برابر آنها که به ضرورت تغییر و اصلاح باور پیدا کرده‌اند، تقسیم شدند و حالا با توجه به آینده‌ای که با ادامه خالص‌سازی برای کشور قابل پیش‌بینی است؛ عزمی در فضای حاکمیتی نیز ایجاد شده است که در تلاش برای ممانعت از تحقق آن وضعیت اسفبار برای کشور و بدتر شدن وضعیت جامعه فرصتی را در این انتخابات رقم زدند.

درباره آنچه در انتخابات ریاست جمهوری رخ داد و نسبتش با روند «خالص‌سازی» و آینده آن هم همین گفت‌وگویی با صادق نوروزی، دبیرکل حزب توسعه ملی، محمد عطریانفر، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی، علی مرشدی‌زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد و ناصر ایمانی، فعال سیاسی و رسانه‌ای اصولگرا داشته‌ایم که در ادامه می‌آید.



آیا انتخابات اخیر ریاست جمهوری و فراهم‌سازی امکان حضور اصلاح‌طلبان را می‌توان به معنای آن دانست که حاکمیت پروژه خالص‌سازی را بی‌حاصل و دارای خطرات داخلی و خارجی دانسته و کنار گذاشته است؟

علی مرشدی‌زاده: برداشت من نیز تقریباً همین است. بهره‌پر سیاست، بهره‌ای است که در آن قدرت می‌ادله می‌شود و طرفین درگیر در سیاست پیوسته دارند محاسبه می‌کنند که چه چیزی به نفع آنهاست و چه چیزی قدرت آنها را افزایش یا کاهش می‌دهد و محاسبه عقلانی در اینجا وجود دارد. طبعاً عناصر و نیروهای قدرت در جامعه ما، در بخش‌های مختلف، که به شکلی ساده شده، اگر آن را در قالب گروه‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا که بازیگر صحنه هستند در نظر بگیریم، آنها هر کدام برداشت خود را از قدرت دارند و سبک و سنگین می‌کنند که شرایط داخلی به چه سمتی می‌رود و در عرصه داخلی چه سهمی دارند و چه وضعیتی برای آنها رقم می‌خورد. همچنین در عرصه خارجی چه وضعیتی در حال رقم خوردن است؛ و یا در عرصه داخلی، تحولاتی که احتمال رخ دادن آنها وجود دارد نیز محاسبات دیگری را شکل می‌دهد و بنابراین خالص‌سازی یک پروژه شکست‌خورده است. به این نکته توجه کنید که اصطلاح خالص‌سازی یک اصطلاح قدیمی و متعلق به راست‌های افراطی است. آنها ویژگی‌های نژادپرستانه و خالص‌سازی دارند و این نظر را دارند که باید جامعه را خالص کنیم مانند آنچه که برای یهودیان می‌گفتند. بنابراین خالص‌سازی برای جمهوری اسلامی یک انگ بزرگ است و اصطلاح توهین‌آمیزی هم برای جامعه و هم برای دستگاه قدرت است که از این اصطلاح برای اعمال تغییرات اجباری و مهندسی شده در جامعه استفاده کنند.

صادق نوروزی: بیشتر از اینکه بحث خالص‌سازی باشد، بحث این است که به علت اینکه در چند انتخابات گذشته پایین بودن مشارکت نظام را با شکاف عمیق و خطرناک با مردم روبه‌رو کرد لذا حاکمیت در این انتخابات جهت بالا بردن مشارکت سیاسی، برگزاری انتخابات به‌طور نسبی رقابتی را برگزید. نتیجتاً امر خالص‌سازی تضعیف خواهد شد.



محمد عطریانفر: پروژه خالص‌سازی دستاوردی از سیاست‌تورزی رادیکال‌های اصولگرا است که تلاش می‌کنند دیدگاه‌های افراطی خود را بر نظام سیاسی تحمیل کنند. اما حاکمیت به دلایل مختلف نمی‌تواند تحت‌تأثیر این تحمیل قرار گیرد. مفاهیم سیاسی مستتر در نظام یک وجه موسع و گسترده‌ای دارد که برای پایداری خود نیازمند مشارکت دیدگاه جناح‌های متکثر سیاسی در پیشبرد اهداف ملی و منافع مردم است. بی‌تردید اگر حاکمیت ظرفیت‌های موسع خود را تحت‌تأثیر دیدگاه‌های رادیکال قرار دهد - که ما امروز آنها را ذیل نام خالص‌سازان می‌شناسیم - ضربه مهلکی می‌خورد. اراده خالص‌سازان می‌کوشد نقش‌پذیری رویکردهای اصلاحی و اعتدالی را از فرآیند تأثیرگذاری و مشارکت در امر حکمرانی جدا کرده و نقش آن را به صفر برساند. البته حاکمیت هر از چندی به اقتضای نیاز در برابر این دیدگاه مقاومت می‌کند. در انقاف شکوهمند اخیر - انتخابات ریاست جمهوری - که آقای پزشکیان به پیروزی رسید، بر مقاومت حاکمیت در برابر افراطیون دلالت می‌کند که اجازه نداد تمام ظرفیت‌ها در اختیار تدریج‌ها قرار گیرد. گرچه حتی اگر خالص‌سازان طی ممارست بسیار بتوانند به مطامع خود در قدرت دست یابند، لا‌جرم دچار چندگانگی خواهند شد. کمترین که در متن انتخابات اخیر شاهد برخی از مقاومت‌ها و مقابله‌های درون‌گفتگویی رادیکال‌های اصولگرایی بودیم. شاهد هستیم که در این انتخابات در برابر پزشکیان که نمایندگی اندیشه اصلاحی و اعتدالی را در کشور داشت، ۴ نامزد صف‌آرایی کردند. منهای نیروهای پوششی، آقایان قالیباف و جلیلی باقی ماندند و نشان دادند که نمی‌توانند باهم توافق کنند و حتی در مقابل یکدیگر می‌ایستند و هیچ‌کدام حاضر نیستند به نفع دیگری صحنه انتخابات را به منظور کسب قدرت ترک کنند. منازعات و درگیری‌ها دلالت بر این دارد که قاعده «یا همه، یا هیچ» اشتباه بوده و گزاره شکست‌خورده‌ای است و گروه‌های سیاسی باید با مشترک را آموزش ببینند. سیاست عرصه مشاع و مشترک همه است و هر کسی به اقتضای ظرفیت، توانمندی، صلاحیت و قابلیت‌هایی که دارد، در

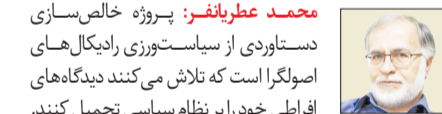


ساخت و پیشبرد اهداف ملی شرکت کرده و کار مشترک با دیگران را تجربه می‌کند. اگر این روند منطقی از دستور کار خارج شود تمام گروه‌ها صدمه می‌بینند. نتیجه قه‌ری روند مذکور هم این می‌شود که گروه‌های انحصارطلب از جنس خالص‌سازان و دیگرانی که دنبال انحصارطلبی هستند، قوت می‌گیرند.

ناصر ایمانی: براساس آمار مشارکت و آرای که به صندوق ریخته شد، شک دارم رای‌هایی که آقای دکتر پزشکیان و آقای جلیلی دریافت کردند رای‌های جناحی (اصلاح‌طلب - اصولگرا) بوده باشد. براساس آمار می‌توانم اثبات کنم رای جناحی این دونفر حداقل در دور اول خیلی کم‌رنگ بوده است. به تعبیر دیگر اگر جناح اصولگرا اصلاح‌آقای جلیلی حمایت نمی‌کرد و اصلاح‌طلب‌ها هم اصلاح‌دکتر پزشکیان حمایت نمی‌کردند، شاید میزان رای‌ها همین مقداری بود که به صندوق ریخته شد. بنابراین اصلاً بر سر این نکته که آقای پزشکیان نماینده اصلاح‌طلب‌ها بوده تردید دارم. همچنان که در مورد آقای جلیلی نیز تردید دارم که به‌خاطر اصولگرا بودن رای آورده باشند و مدیون آن جناح در این میزان رای باشند. نکته دوم، موضوع خالص‌سازی که می‌گوئید و به حاکمیت ربط می‌دهید را بیایید روشن‌گری کنیم. چه کسی گفته است که حاکمیت طی سال‌های گذشته به دنبال خالص‌سازی بوده است؟ این موضوع را به کل رد می‌کنم. اینکه برخی از طیف‌ها به دنبال این بودند که به نوعی فردی از طیف خودشان در قدرت باشد و به جریان‌های دیگر، چه اصولگرا و چه اصلاح‌طلب، اجازه ندهند که در مناصب حکومتی باشند، این مسئله را رد نمی‌کنم، اما شما می‌گوئید حاکمیت دنبال خالص‌سازی است و معتقدم به‌طور کل حرف نادرستی است. همچنان که می‌دانید آقای دکتر پزشکیان اعلام کردند اگر مقام معظم رهبری نبودند اسم من از صندوق‌های رای در نمی‌آمد. در واقع تأکید بوده که ترکیب نامزدها به این شکل باشد و از جریان‌های مختلف در انتخابات حضور داشته باشند و بتوانند حرف خود را بزنند و مردم انتخاب کنند. مسئله خالص‌سازی در حد اینکه بگوئیم حاکمیت دنبال آن بوده حرف بی‌اساسی است.

محمد عطریانفر: پروژه خالص‌سازی دستاوردی از سیاست‌تورزی رادیکال‌های اصولگرا است که تلاش می‌کنند دیدگاه‌های افراطی خود را بر نظام سیاسی تحمیل کنند. اما حاکمیت به دلایل مختلف نمی‌تواند تحت‌تأثیر این تحمیل قرار گیرد. مفاهیم سیاسی مستتر در نظام یک وجه موسع و گسترده‌ای دارد که برای پایداری خود نیازمند مشارکت دیدگاه جناح‌های متکثر سیاسی در پیشبرد اهداف ملی و منافع مردم است. بی‌تردید اگر حاکمیت ظرفیت‌های موسع خود را تحت‌تأثیر دیدگاه‌های رادیکال قرار دهد - که ما امروز آنها را ذیل نام خالص‌سازان می‌شناسیم - ضربه مهلکی می‌خورد. اراده خالص‌سازان می‌کوشد نقش‌پذیری رویکردهای اصلاحی و اعتدالی را از فرآیند تأثیرگذاری و مشارکت در امر حکمرانی جدا کرده و نقش آن را به صفر برساند. البته حاکمیت هر از چندی به اقتضای نیاز در برابر این دیدگاه مقاومت می‌کند. در انقاف شکوهمند اخیر - انتخابات ریاست جمهوری - که آقای پزشکیان به پیروزی رسید، بر مقاومت حاکمیت در برابر افراطیون دلالت می‌کند که اجازه نداد تمام ظرفیت‌ها در اختیار تدریج‌ها قرار گیرد. گرچه حتی اگر خالص‌سازان طی ممارست بسیار بتوانند به مطامع خود در قدرت دست یابند، لا‌جرم دچار چندگانگی خواهند شد. کمترین که در متن انتخابات اخیر شاهد برخی از مقاومت‌ها و مقابله‌های درون‌گفتگویی رادیکال‌های اصولگرایی بودیم. شاهد هستیم که در این انتخابات در برابر پزشکیان که نمایندگی اندیشه اصلاحی و اعتدالی را در کشور داشت، ۴ نامزد صف‌آرایی کردند. منهای نیروهای پوششی، آقایان قالیباف و جلیلی باقی ماندند و نشان دادند که نمی‌توانند باهم توافق کنند و حتی در مقابل یکدیگر می‌ایستند و هیچ‌کدام حاضر نیستند به نفع دیگری صحنه انتخابات را به منظور کسب قدرت ترک کنند. منازعات و درگیری‌ها دلالت بر این دارد که قاعده «یا همه، یا هیچ» اشتباه بوده و گزاره شکست‌خورده‌ای است و گروه‌های سیاسی باید با مشترک را آموزش ببینند. سیاست عرصه مشاع و مشترک همه است و هر کسی به اقتضای ظرفیت، توانمندی، صلاحیت و قابلیت‌هایی که دارد، در

محمد عطریانفر: پروژه خالص‌سازی دستاوردی از سیاست‌تورزی رادیکال‌های اصولگرا است که تلاش می‌کنند دیدگاه‌های افراطی خود را بر نظام سیاسی تحمیل کنند. اما حاکمیت به دلایل مختلف نمی‌تواند تحت‌تأثیر این تحمیل قرار گیرد. مفاهیم سیاسی مستتر در نظام یک وجه موسع و گسترده‌ای دارد که برای پایداری خود نیازمند مشارکت دیدگاه جناح‌های متکثر سیاسی در پیشبرد اهداف ملی و منافع مردم است. بی‌تردید اگر حاکمیت ظرفیت‌های موسع خود را تحت‌تأثیر دیدگاه‌های رادیکال قرار دهد - که ما امروز آنها را ذیل نام خالص‌سازان می‌شناسیم - ضربه مهلکی می‌خورد. اراده خالص‌سازان می‌کوشد نقش‌پذیری رویکردهای اصلاحی و اعتدالی را از فرآیند تأثیرگذاری و مشارکت در امر حکمرانی جدا کرده و نقش آن را به صفر برساند. البته حاکمیت هر از چندی به اقتضای نیاز در برابر این دیدگاه مقاومت می‌کند. در انقاف شکوهمند اخیر - انتخابات ریاست جمهوری - که آقای پزشکیان به پیروزی رسید، بر مقاومت حاکمیت در برابر افراطیون دلالت می‌کند که اجازه نداد تمام ظرفیت‌ها در اختیار تدریج‌ها قرار گیرد. گرچه حتی اگر خالص‌سازان طی ممارست بسیار بتوانند به مطامع خود در قدرت دست یابند، لا‌جرم دچار چندگانگی خواهند شد. کمترین که در متن انتخابات اخیر شاهد برخی از مقاومت‌ها و مقابله‌های درون‌گفتگویی رادیکال‌های اصولگرایی بودیم. شاهد هستیم که در این انتخابات در برابر پزشکیان که نمایندگی اندیشه اصلاحی و اعتدالی را در کشور داشت، ۴ نامزد صف‌آرایی کردند. منهای نیروهای پوششی، آقایان قالیباف و جلیلی باقی ماندند و نشان دادند که نمی‌توانند باهم توافق کنند و حتی در مقابل یکدیگر می‌ایستند و هیچ‌کدام حاضر نیستند به نفع دیگری صحنه انتخابات را به منظور کسب قدرت ترک کنند. منازعات و درگیری‌ها دلالت بر این دارد که قاعده «یا همه، یا هیچ» اشتباه بوده و گزاره شکست‌خورده‌ای است و گروه‌های سیاسی باید با مشترک را آموزش ببینند. سیاست عرصه مشاع و مشترک همه است و هر کسی به اقتضای ظرفیت، توانمندی، صلاحیت و قابلیت‌هایی که دارد، در



محمد عطریانفر: پروژه خالص‌سازی دستاوردی از سیاست‌تورزی رادیکال‌های اصولگرا است که تلاش می‌کنند دیدگاه‌های افراطی خود را بر نظام سیاسی تحمیل کنند. اما حاکمیت به دلایل مختلف نمی‌تواند تحت‌تأثیر این تحمیل قرار گیرد. مفاهیم سیاسی مستتر در نظام یک وجه موسع و گسترده‌ای دارد که برای پایداری خود نیازمند مشارکت دیدگاه جناح‌های متکثر سیاسی در پیشبرد اهداف ملی و منافع مردم است. بی‌تردید اگر حاکمیت ظرفیت‌های موسع خود را تحت‌تأثیر دیدگاه‌های رادیکال قرار دهد - که ما امروز آنها را ذیل نام خالص‌سازان می‌شناسیم - ضربه مهلکی می‌خورد. اراده خالص‌سازان می‌کوشد نقش‌پذیری رویکردهای اصلاحی و اعتدالی را از فرآیند تأثیرگذاری و مشارکت در امر حکمرانی جدا کرده و نقش آن را به صفر برساند. البته حاکمیت هر از چندی به اقتضای نیاز در برابر این دیدگاه مقاومت می‌کند. در انقاف شکوهمند اخیر - انتخابات ریاست جمهوری - که آقای پزشکیان به پیروزی رسید، بر مقاومت حاکمیت در برابر افراطیون دلالت می‌کند که اجازه نداد تمام ظرفیت‌ها در اختیار تدریج‌ها قرار گیرد. گرچه حتی اگر خالص‌سازان طی ممارست بسیار بتوانند به مطامع خود در قدرت دست یابند، لا‌جرم دچار چندگانگی خواهند شد. کمترین که در متن انتخابات اخیر شاهد برخی از مقاومت‌ها و مقابله‌های درون‌گفتگویی رادیکال‌های اصولگرایی بودیم. شاهد هستیم که در این انتخابات در برابر پزشکیان که نمایندگی اندیشه اصلاحی و اعتدالی را در کشور داشت، ۴ نامزد صف‌آرایی کردند. منهای نیروهای پوششی، آقایان قالیباف و جلیلی باقی ماندند و نشان دادند که نمی‌توانند باهم توافق کنند و حتی در مقابل یکدیگر می‌ایستند و هیچ‌کدام حاضر نیستند به نفع دیگری صحنه انتخابات را به منظور کسب قدرت ترک کنند. منازعات و درگیری‌ها دلالت بر این دارد که قاعده «یا همه، یا هیچ» اشتباه بوده و گزاره شکست‌خورده‌ای است و گروه‌های سیاسی باید با مشترک را آموزش ببینند. سیاست عرصه مشاع و مشترک همه است و هر کسی به اقتضای ظرفیت، توانمندی، صلاحیت و قابلیت‌هایی که دارد، در



ادامه سر مقاله

البته ظرفیت باخت نداشتند و همچنان رجز می‌خوانند، غافل از اینکه دوره این رجزخوانی‌ها گذشته است. سیاست و خدمت‌تعلق گرفته است. انتشار خبر دیدار سیدمحمد خاتمی با رئیس جمهور منتخب، آقای پزشکیان در صداوسیما علامت مناسبی برای این سیاست است. امیدواریم که این آغازی باشد بر تغییر سیاست رسانه‌ای کشور. بدون اصلاح سیاست رسانه‌ای، ایران در مسیر تعادل و ثبات قرار نخواهد گرفت. این سیاست صداوسیماست که بازی را به ماهواره‌های فارسی‌زبان ساخته و میدان رسانه‌ای کشور را خالی کرده است. اگر فضای مجازی نبود امروز هیچ اثری از مواضع مفید و سازنده در رسانه‌های داخلی وجود نمی‌داشت. همان فضایی که آن را فیلتر کرده‌اند. امیدواریم که آقای پزشکیان در اولین گام‌های خود، فضای رسانه‌ای کشور را با هماهنگی‌های لازم بهبود بخشد. باید صداوسیما درهای خود را باز کند و نه آنکه بکسویه علیه دولت نیامده بنازد و آنجا را ابزار قشر یکدست‌ساز نماید. این همان قضری است که در انتخابات ضربه سنگینی را به نظام زد ولی مردم آن را جبران کردند. پایان سیاست کلان یکدست‌سازی از اصلاح سیاست صداوسیما آغاز می‌شود.